

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان  
وَالصَّافَاتِ صَفَا ﴿١﴾

**فولادوند:** سوگند به صف بستگان که صفی [با شکوه] بسته‌اند  
**مکارم:** سوگند به آنها که صف کشیده‌اند (و صفوف خود را منظم ساخته‌اند).

فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ﴿٢﴾

**فولادوند:** و به زجرکنندگان که به سختی زجر می‌کنند  
**مکارم:** همانها که قویا نهی می‌کنند (و باز می‌دارند).

فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا ﴿٣﴾

**فولادوند:** و به تلاوت‌کنندگان [آیات الهی]  
**مکارم:** و آنها که پی درپی ذکر (الهی) را تلاوت می‌کنند.

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ ﴿٤﴾

**فولادوند:** که قطعاً معبود شما یگانه است  
**مکارم:** که معبود شما مسلماً یکتاست.

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا رَبُّ الْمَشَارِقِ ﴿٥﴾

**فولادوند:** پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است و پروردگار خاورها  
**مکارم:** پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست و پروردگار مشرقها!

إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ ﴿٦﴾

**فولادوند:** ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم  
**مکارم:** ما آسمان پائین را با ستارگان تزیین کردیم.

وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ ﴿٧﴾

**فولادوند:** و [آن را] از هر شیطان سرکشی نگاه داشتیم  
**مکارم:** و آن را از هر شیطان خبیثی حفظ نمودیم.

لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقَذِفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ ﴿٨﴾

**فولادوند:** [به طوری که] نمی‌توانند به انبوه [فرشتگان] عال م بالا گوش فرا دهند و از هر سوی پرتاب می‌شوند

**مکارم:** آنها نمی‌توانند به (سخنان) فرشتگان عالم بالا گوش فرا دهند (و هرگاه چنین بخواهند) از هر سو هدف تیرها قرار می‌گیرند!

دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ﴿٩﴾

**فولادوند:** با شدت به دور رانده می‌شوند و برایشان عذابی دایم است

**مکارم:** آنها به شدت به عقب رانده می‌شوند، و برای آنان عذاب دائم است.

إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ﴿١٠﴾

**فولادوند:** مگر کسی که [از سخن بالاییان] یکباره استراق سمع کند که شهابی شکافنده از پی او می‌تازد

**مکارم:** مگر آنها که در لحظه‌ای کوتاه برای استراق سمع به آسمان نزدیک شوند که شهاب ثاقب آنها را تعقیب می‌کند!

فَاسْتَفْتِهِمْ أَهْمُ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَّازِبٍ ﴿١١﴾

**فولادوند:** پس [از کافران] بپرس آیا ایشان [از نظر] آفرینش سخت‌ترند یا کسانی که [در آسمانها] خلق کردیم ما آنان را از گلی چسبیده پدید آوردیم

**مکارم:** از آنها بپرس: آیا آفرینش (و معاد) آنان سختتر است یا آفرینش فرشتگان (و آسمانها و زمین) ما آنها را از گل چسبیده‌ای آفریدیم.

بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ ﴿١٢﴾

**فولادوند:** بلکه عجب می‌داری و [آنها] ریشخند می‌کنند

**مکارم:** تو از انکار آنها تعجب می‌کنی، ولی آنها مسخره می‌کنند!

وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ ﴿١٣﴾

**فولادوند:** و چون پند داده شوند عبرت نمی‌گیرند

**مکارم:** و هنگامی که به آنها تذکر داده شود هرگز متذکر نمی‌شوند.

وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ ﴿١٤﴾

**فولادوند:** و چون آیتی ببینند به ریشخند می‌پردازند

**مکارم:** و هنگامی که معجزه‌ای را ببینند دیگران را نیز به استهزا دعوت می‌کنند!

وَقَالُوا إِن هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾

**فولادوند:** و می‌گویند این جز سحری آشکار نیست

**مکارم:** و می‌گویند این فقط سحر آشکاری است.

أَيُّدَا مِثْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَيُّنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿١٦﴾

**فولادوند:** آیا چون مردیم و خاک و استخوانهای [خرد] گردیدیم آیا راستی برانگیخته می‌شویم

**مکارم:** آنها می‌گویند آیا هنگامی که ما مردیم و خاک و استخوان شدیم بار دیگر برانگیخته خواهیم شد!

أَوَابَاؤُنَا الْأَوْلُونَ ﴿١٧﴾

**فولادوند:** و همین طور پدران اولیه ما

**مکارم:** یا پدران نخستین ما (باز می‌گردند)؟

قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ ﴿١٨﴾

**فولادوند:** بگو آری در حالی که شما خوارید

**مکارم:** بگو آری، همه شما زنده می‌شوید، در حالی که خوار و کوچک خواهید بود.

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ ﴿١٩﴾

**فولادوند:** و آن تنها يك فریاد است و بس و بناگاه آنان به تماشا خیزند

**مکارم:** تنها يك صیحه عظیم واقع می‌شود ناگهان همه (از قبرها بر می‌خیزند و) نگاه می‌کنند.

وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿٢٠﴾

**فولادوند:** و می‌گویند ای وای بر ما این است روز جزا

**مکارم:** و می‌گویند: ای وای بر ما این روز جزا است.

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿٢١﴾

**فولادوند:** این است همان روز داوری که آن را تکذیب می‌کردید

**مکارم:** (آری) این همان روز جدائی است که شما آن را تکذیب می‌کردید (جدای حق از باطل).

احْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿٢٢﴾

**فولادوند:** کسانی را که ستم کرده‌اند با هم‌ردیفانشان و آنچه غیر از خدا می‌پرستیده‌اند

**مکارم:** (در این هنگام به فرشتگان دستور داده می‌شود) ظالمان و هم‌ردیفان آنها و آنچه را می‌پرستیدند ...

مِن دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ ﴿٢٣﴾

**فولادوند:** گرد آورید و به سوی راه جهنم رهبری‌شان کنید

**مکارم:** (آری آنچه را) جز خدا می‌پرستیدند جمع کنید و به سوی راه دوزخ هدایتشان نمائید.

وَقَفُّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ ﴿٢٤﴾

**فولادوند:** و بازداشتشان نمایید که آنها مسؤولند

**مکارم:** آنها را متوقف سازید که باید بازپرسی شوند.

مَا لَكُمْ لَّا تَنَاصَرُونَ ﴿٢٥﴾

**فولادوند:** شما را چه شده است که همدیگر را یاری نمی‌کنید

**مکارم:** شما چرا از هم یاری نمی‌طلبید.

بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ ﴿٢٦﴾

**فولادوند:** [نه] بلکه امروز آنان از در تسلیم درآمدگانند

**مکارم:** ولی آنها در آن روز تسلیم قدرت خداوندند.

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٢٧﴾

**فولادوند:** و بعضی روی به بعضی دیگر می‌آوردند [و] از یکدیگر می‌پرسند

**مکارم:** (و در اینحال) آنها رو به یکدیگر کرده و از هم سؤال می‌کنند ...

قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ ﴿٢٨﴾

**فولادوند:** [و] می‌گویند شما [ظاهرا] از در راستی با ما درمی‌آمدید [و خود را حق به جانب می‌نمودید]

**مکارم:** گروهی می‌گویند: (شما رهبران گمراه ما) از طریق خیرخواهی و نیکی وارد شدید (اما جز مکر و فریب چیزی در کارتان

نبود).

قَالُوا بَلْ لَّمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٢٩﴾

**فولادوند:** [متهمان] می‌گویند [نه] بلکه با ایمان نبودید

**مکارم:** (آنها در جواب) می‌گویند: شما خودتان اهل ایمان نبودید (تقصیر ما چیست)؟

وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِّنْ سُلْطَانٍ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَآغِينَ ﴿٣٠﴾

**فولادوند:** و ما را بر شما هیچ تسلطی نبود بلکه خودتان سرکش بودید

**مکارم:** ما هیچگونه سلطه‌ای بر شما نداشتیم، بلکه شما خود قومی طغیانگر بودید!

فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَائِقُونَ ﴿٣١﴾

**فولادوند:** پس فرمان پروردگاران بر ما سزاوار آمد ما واقعا باید [عذاب را] بچشیم  
**مکارم:** اکنون فرمان خدا بر همه ما مسلم شده، و همگی از عذاب او می‌چشیم.

فَأَغْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ ﴿٣٢﴾

**فولادوند:** و شما را گمراه کردیم زیرا خودمان گمراه بودیم  
**مکارم:** (آری) ما شما را گمراه کردیم همانگونه که خود گمراه بودیم.

فَأَنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿٣٣﴾

**فولادوند:** پس در حقیقت آنان در آن روز در عذاب شریک یکدیگرند  
**مکارم:** همه آنها (پیشوایان و پیروان گمراه) در آن روز در عذاب الهی مشترکند.

إِنَّا كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ﴿٣٤﴾

**فولادوند:** [آری] ما با مجرمان چنین رفتار می‌کنیم  
**مکارم:** (آری) ما اینگونه با مجرمان رفتار می‌کنیم.

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٣٥﴾

**فولادوند:** چرا که آنان بودند که وقتی به ایشان گفته می‌شد خدایی جز خدای یگانه نیست تکبر می‌ورزیدند  
**مکارم:** چرا که وقتی به آنها لا اله الا الله گفته می‌شد استکبار می‌کردند.

وَيَقُولُونَ أَأَنَّا لَتَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ ﴿٣٦﴾

**فولادوند:** و می‌گفتند آیا ما برای شاعری دیوانه دست از خدایانمان برداریم  
**مکارم:** و پیوسته می‌گفتند: آیا ما خدایان خود را به خاطر شاعر دیوانه‌ای رها کنیم؟!

بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣٧﴾

**فولادوند:** ولی نه [او] حقیقت را آورده و فرستادگان را تصدیق کرده است  
**مکارم:** چنین نیست، او حق آورده، و پیامبران پیشین را تصدیق کرده است.

إِنَّكُمْ لَذَائِقُوا الْعَذَابِ الْأَلِيمِ ﴿٣٨﴾

**فولادوند:** در واقع شما عذاب پر درد را خواهید چشید  
**مکارم:** اما شما (مستکبران کوردل) به طور مسلم عذاب دردناک (الهی) را خواهید چشید.

وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٩﴾

**فولادوند:** و جز آنچه می‌کردید جزا نمی‌یابید

**مکارم:** و جز به اعمالی که انجام می‌دادید جزا داده نمی‌شوید.

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿٤٠﴾

**فولادوند:** مگر بندگان پاکدل خدا

**مکارم:** جز بندگان مخلص پروردگار (که از همه این مجازات‌ها برکنارند).

أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ ﴿٤١﴾

**فولادوند:** آنان روزی معین خواهند داشت

**مکارم:** برای آنها (بندگان مخلص) روزی معین و ویژه‌ای است.

فَوَاكِهَ وَهُمْ مُكْرَمُونَ ﴿٤٢﴾

**فولادوند:** [انواع] میوه‌ها و آنان مورد احترام خواهند بود

**مکارم:** میوه‌های گوناگون پر ارزش، و آنها مورد احترامند.

فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٤٣﴾

**فولادوند:** در باغهای پر نعمت

**مکارم:** در باغهای پر نعمت بهشت.

عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿٤٤﴾

**فولادوند:** بر سریرها در برابر همدیگر [می‌نشینند]

**مکارم:** بر تخت‌ها روبروی یکدیگر تکیه زده‌اند.

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَّعِينٍ ﴿٤٥﴾

**فولادوند:** با جامی از باده ناب پیرامونشان به گردش درمی‌آیند

**مکارم:** گرداگرد آنها قدحهای لبریز از شراب طهور را می‌گردانند

بِضَاءٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ ﴿٤٦﴾

**فولادوند:** [باده‌ای] سخت‌سپید که نوشندگان را لذتی [خاص] می‌دهد

**مکارم:** شرابی که سفید و درخشنده و لذتبخش برای نوشندگان است.

لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُتْرَفُونَ ﴿٤٧﴾

**فولادوند:** نه در آن فساد عقل است و نه ایشان از آن به بدمستی [و فرسودگی] می‌افتند  
**مکارم:** شرابی که نه در آن مایه فساد عقل است نه موجب مستی می‌گردد.

وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عَيْنٌ ﴿٤٨﴾

**فولادوند:** و نزدشان [دلبرانی] فروهشته‌نگاه و فراخ‌دیده باشند  
**مکارم:** و نزد آنها همسرانی است که جز به شوهران خود عشق نمی‌ورزند و چشمانی درشت (و زیبا) دارند.

كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ ﴿٤٩﴾

**فولادوند:** [از شدت سپیدی] گویی تخم شتر مرغ [زیر پ ر] اند  
**مکارم:** گوئی (از لطافت و سفیدی) همچون تخم مرغهایی هستند که (در زیر بال و پر مرغ) پنهان مانده (و دست انسانی هرگز آن را لمس نکرده است).

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٥٠﴾

**فولادوند:** پس برخی‌شان به برخی روی نموده و از همدیگر پرس‌وجو می‌کنند  
**مکارم:** (در حالی که آنها غرق گفتگو هستند) و بعضی رو به بعضی دیگر کرده سؤال می‌کنند ...

قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ ﴿٥١﴾

**فولادوند:** گوینده‌ای از آنان می‌گوید راستی من [در دنیا] همنشینی داشتم  
**مکارم:** یکی از آنها می‌گوید: من همنشینی داشتم.

يَقُولُ أَأِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ ﴿٥٢﴾

**فولادوند:** [که به من] می‌گفت آیا واقعا تو از باوردارندگانی  
**مکارم:** که پیوسته می‌گفت: آیا (به راستی) تو این سخن را باور کرده‌ای؟ ...

أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَأَنْتَا لَمَدِينُونَ ﴿٥٣﴾

**فولادوند:** آیا وقتی مردیم و خاک و [مشتی] استخوان شدیم آیا واقعا جزا می‌یابیم  
**مکارم:** که وقتی ما مردیم و خاک و استخوان شدیم (بار دیگر) زنده می‌شویم، و جزا داده خواهیم شد!

قَالَ هَلْ أُنْتُمْ مُّطَّلِعُونَ ﴿٥٤﴾

**فولادوند:** [مؤمن] می‌پرسد آیا شما اطلاع دارید [کجاست]

**مکارم:** (سپس) می‌گوید: آیا شما می‌توانید از او خیری بگیرید؟

فَاطَّلِعْ فَرَآهٖ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿٥٥﴾

**فولادوند:** پس اطلاع حاصل می‌کند و او را در میان آتش می‌بیند

**مکارم:** اینجاست که به جستجو بر می‌خیزد و نگاهی می‌کند ناگهان او را در وسط جهنم می‌بیند!

قَالَ تَاللَّهِ إِن كِدْتَ لَتُرْدِينِ ﴿٥٦﴾

**فولادوند:** [و] می‌گوید به خدا سوگند چیزی نمانده بود که تو مرا به هلاکت اندازی

**مکارم:** می‌گوید: به خدا سوگند چیزی نمانده بود که مرا نیز به هلاکت بکشانی!

وَلَوْأَنَّ نِعْمَةَ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ﴿٥٧﴾

**فولادوند:** و اگر رحمت پروردگارم نبود هرآینه من [نیز] از احضارشدگان بودم

**مکارم:** و هر گاه نعمت پروردگارم نبود من نیز از احضار شدگان در دوزخ بودم!

أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ ﴿٥٨﴾

**فولادوند:** [و از روی شوق می‌گوید] آیا دیگر روی مرگ نمی‌بینیم

**مکارم:** (ای دوستان) آیا ما هرگز نمی‌میریم؟ (و در بهشت جاودانه خواهیم بود).

إِلَّا مَوْتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿٥٩﴾

**فولادوند:** جز همان مرگ نخستین خود و ما هرگز عذاب نخواهیم شد

**مکارم:** و جز همان مرگ اول مرگی به سراغ ما نخواهد آمد و ما هرگز مجازات نخواهیم شد؟ (چه نعمتی برای خدای من!).

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٠﴾

**فولادوند:** راستی که این همان کامیابی بزرگ است

**مکارم:** راستی این پیروزی بزرگی است.

لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ ﴿٦١﴾

**فولادوند:** برای چنین [پاداشی] باید کوشندگان بکوشند

**مکارم:** آری برای مثل این پاداش تلاشگران باید بکوشند.

أَذَلِكَ خَيْرٌ نُزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزُّقُومِ ﴿٦٢﴾

**فولادوند:** آیا از نظر پذیرایی این بهتر است یا درخت زقوم

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران



**مکارم:** آیا این (نعمتهای جاویدان بهشت) بهتر است یا درخت (نفرت انگیز) زقوم؟!

إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ ﴿٦٣﴾

**فولادوند:** در حقیقت ما آن را برای ستمگران [مایه آزمایش و] عذابی گردانیدیم

**مکارم:** ما آن را مایه درد و رنج ظالمان قرار دادیم.

إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْحَجِيمِ ﴿٦٤﴾

**فولادوند:** آن درختی است که از قعر آتش سوزان می‌روید

**مکارم:** درختی است که از قعر جهنم می‌روید!

طَلَعَهَا كَأَنَّهٗ رُؤُوسُ الشَّيَاطِينِ ﴿٦٥﴾

**فولادوند:** میوه‌اش گویی چون کله‌های شیاطین است

**مکارم:** شکوفه آن مانند کله‌های شیاطین است.

فَأَنزَلْنَاهُمْ لَأَكْلُونَ مِنْهَا فَأَمَالُؤُنَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٦٦﴾

**فولادوند:** پس [دوزخیان] حتما از آن می‌خورند و شکمها را از آن پر می‌کنند

**مکارم:** آنها (مجرمان) از آن می‌خورند و شکم خود را از آن پر می‌کنند.

ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ ﴿٦٧﴾

**فولادوند:** سپس ایشان را بر سر آن آمیغی از آب جوشان است

**مکارم:** سپس روی آن آب داغ متعفنی می‌نوشند.

ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْحَجِيمِ ﴿٦٨﴾

**فولادوند:** آنگاه بازگشتشان بی‌گمان به سوی دوزخ است

**مکارم:** سپس بازگشت آنها به سوی جهنم است.

إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ ﴿٦٩﴾

**فولادوند:** آنها پدران خود را گمراه یافتند

**مکارم:** چرا که آنها پدران خود را گمراه یافتند.

فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ ﴿٧٠﴾

**فولادوند:** پس ایشان به دنبال آنها می‌شتابند

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

**مکارم:** با اینحال با سرعت به دنبال آنان می‌دوند.

وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٧١﴾

**فولادوند:** و قطعاً پیش از آنها بیشتر پیشینیان به گمراهی افتادند

**مکارم:** قبل از آنها اکثر پیشینیان (نیز) گمراه شدند.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ ﴿٧٢﴾

**فولادوند:** و حال آنکه مسلماً در میانشان هشداردهندگان فرستادیم

**مکارم:** ما در میان آنها اندازکنندگان فرستادیم.

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذِرِينَ ﴿٧٣﴾

**فولادوند:** پس ببین فرجام هشدارداده‌شدگان چگونه بود

**مکارم:** بنگر عاقبت اندازشوندگان چگونه بود؟

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿٧٤﴾

**فولادوند:** به استثنای بندگان پاکدل خدا

**مکارم:** مگر بندگان مخلص ما!

وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ ﴿٧٥﴾

**فولادوند:** و نوح ما را ندا داد و چه نیک اجابت‌کننده بودیم

**مکارم:** نوح ما را ندا کرد (و ما دعای او را اجابت کردیم)، و چه خوب اجابت‌کننده‌ای هستیم.

وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾

**فولادوند:** و او و کسانش را از اندوه بزرگ رهانیدیم

**مکارم:** و او و خاندانش را از اندوه بزرگ رهائی بخشیدیم.

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ ﴿٧٧﴾

**فولادوند:** و [تنها] نسل او را باقی گذاشتیم

**مکارم:** و فرزندانش را بازماندگان (روی زمین) قرار دادیم.

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿٧٨﴾

**فولادوند:** و در میان آیندگان [آوازه نیک] او را بر جای گذاشتیم

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

**مکارم:** و نام نیک او را در میان امتهای بعد باقی گذاردیم.

سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ﴿٧٩﴾

**فولادوند:** درود بر نوح در میان جهانیان

**مکارم:** سلام باد بر نوح در میان جهانیان.

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٠﴾

**فولادوند:** ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم

**مکارم:** ما اینگونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨١﴾

**فولادوند:** به راستی او از بندگان مؤمن ما بود

**مکارم:** چرا که او از بندگان با ایمان ما بود.

ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْآخِرِينَ ﴿٨٢﴾

**فولادوند:** سپس دیگران را غرق کردیم

**مکارم:** سپس دیگران (دشمنان او) را غرق کردیم.

وَإِنْ مِنْ شَيْعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ ﴿٨٣﴾

**فولادوند:** و بی‌گمان ابراهیم از پیروان اوست

**مکارم:** و از پیروان او (نوح) ابراهیم بود.

إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٤﴾

**فولادوند:** آنگاه که با دلی پاک به [پیشگاه] پروردگارش آمد

**مکارم:** به خاطر بیاور هنگامی را که با قلب سلیم به پیشگاه پروردگارش آمد.

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ ﴿٨٥﴾

**فولادوند:** چون به پدر [خوانده] و قوم خود گفت چه می‌پرستید

**مکارم:** هنگامی که به پدر و قومش گفت: اینها چه چیز است که می‌پرستید؟!

أَفَنُكَا آلِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ ﴿٨٦﴾

**فولادوند:** آیا غیر از آنها به دروغ خدایانی [دیگر] می‌خواهید

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

**مکارم:** آیا غیر از خدا، به سراغ این معبودان دروغین می‌روید؟

﴿۸۷﴾ فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۸۷﴾

**فولادوند:** پس گمانتان به پروردگار جهانها چیست

**مکارم:** شما درباره پروردگار عالمیان چه گمان می‌برید؟

﴿۸۸﴾ فَظَنَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ ﴿۸۸﴾

**فولادوند:** پس نظری به ستارگان افکند

**مکارم:** (سپس) او نگاهی به ستارگان افکند.

﴿۸۹﴾ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ﴿۸۹﴾

**فولادوند:** و گفت من کسالت دارم

**مکارم:** و گفت من بیمارم (و با شما به مراسم جشن نمی‌آیم).

﴿۹۰﴾ فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ ﴿۹۰﴾

**فولادوند:** پس پشت‌کنان از او روی برتافتند

**مکارم:** آنها از او روی برتافته و به او پشت کردند (و به سرعت دور شدند).

﴿۹۱﴾ فَرَاعَ إِلَىٰ آلِهِتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿۹۱﴾

**فولادوند:** تا نهانی به سوی خدایانشان رفت و [به ریشخند] گفت آیا غذا نمی‌خورید

**مکارم:** (او وارد بتخانه شد) مخفیانه نگاهی به معبودان آنها کرد و از روی تمسخر گفت: چرا از این غذاها نمی‌خورید؟

﴿۹۲﴾ مَا لَكُمْ لَّا تَنْطِقُونَ ﴿۹۲﴾

**فولادوند:** شما را چه شده که سخن نمی‌گویید

**مکارم:** (اصلا) چرا سخن نمی‌گوئید؟!

﴿۹۳﴾ فَرَاعَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ ﴿۹۳﴾

**فولادوند:** پس با دست راست بر سر آنها زدن گرفت

**مکارم:** سپس ضربه‌ای محکم با دست راست و با توجه بر پیکر آنها فرود آورد (و همه را جز بت بزرگ در هم شکست)

﴿۹۴﴾ فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزْفُونَ ﴿۹۴﴾

**فولادوند:** تا دوان دوان سوی او روی آور شدند

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

**مکارم:** آنها با سرعت به سراغ او آمدند.

قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ ﴿٩٥﴾

**فولادوند:** [ابراهیم] گفت آیا آنچه را می تراشید می پرستید

**مکارم:** او (ابراهیم) گفت: آیا چیزی را می پرستید که با دست خود می تراشید؟

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾

**فولادوند:** با اینکه خدا شما و آنچه را که برمی سازید آفریده است

**مکارم:** با اینکه خداوند هم شما را آفریده و هم بتهایی را که می سازید!

قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُيُوتًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ ﴿٩٧﴾

**فولادوند:** گفتند برایش [کوره] خانه ای بسازید و در آتشش بیندازید

**مکارم:** آنها گفتند بنای مرتفعی برای او بسازید، و او را در جهنمی از آتش بیفکنید!

فَارَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ ﴿٩٨﴾

**فولادوند:** پس خواستند به از نیرنگی زند و [لی] ما آنان را پست گردانیدیم

**مکارم:** آنها طرحی برای نابودی ابراهیم ریخته بودند ولی ما آنها را پست و مغلوب ساختیم.

وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٩٩﴾

**فولادوند:** و [ابراهیم] گفت من به سوی پروردگارم رهسپارم زودا که مرا راه نماید

**مکارم:** (او از این مهلکه به سلامت بیرون آمد) و گفت: من به سوی پروردگارم می روم او مرا هدایت خواهد کرد.

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٠٠﴾

**فولادوند:** ای پروردگار من مرا [فرزندی] از شایستگان بخش

**مکارم:** پروردگارا! به من از (فرزندان) صالح ببخش.

فَبَشِّرْنَاهُ بِعُلَامٍ حَلِيمٍ ﴿١٠١﴾

**فولادوند:** پس او را به پسری بردبار مژده دادیم

**مکارم:** ما او (ابراهیم) را به نوجوانی بردبار و پر استقامت بشارت دادیم.

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا

تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ ﴿١٠٢﴾

**فولادوند:** و وقتی با او به جایگاه سعی رسید گفت ای پسرک من من در خواب [چنین] می بینم که تو را سر می برم پس بین چه به نظرت می آید گفت ای پدر من آنچه را ماموری بکن ان شاء الله مرا از شکیبایان خواهی یافت

**مکارم:** هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید گفت: فرزندم من در خواب دیدم که باید تو را ذبح کنم! بنگر نظر تو چیست؟ گفت: پدرم هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت!

فَلَمَّا أَسْلَمًا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ ﴿١٠٣﴾

**فولادوند:** پس وقتی هر دو تن دردادند [و همدیگر را بدرد گفتند] و [پسر] را به پیشانی بر خاک افکند  
**مکارم:** هنگامی که هر دو تسلیم و آماده شدند و ابراهیم جبین او را بر خاک نهاد ...

وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ ﴿١٠٤﴾

**فولادوند:** او را ندا دادیم که ای ابراهیم  
**مکارم:** او را ندا دادیم که ای ابراهیم!

قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٠٥﴾

**فولادوند:** رؤیا [ی خود] را حقیقت بخشیدی ما نیکوکاران را چنین پاداش می دهیم  
**مکارم:** آنچه را در خواب ماموریت یافتی انجام دادی، ما اینگونه نیکوکاران را جزا می دهیم.

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ ﴿١٠٦﴾

**فولادوند:** راستی که این همان آزمایش آشکار بود  
**مکارم:** این مسلما امتحان مهم و آشکاری است.

وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ ﴿١٠٧﴾

**فولادوند:** و او را در ازای قربانی بزرگی باز رهانیدیم  
**مکارم:** ما ذبح عظیمی را فدای او کردیم.

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٠٨﴾

**فولادوند:** و در [میان] آیندگان برای او [آوازه نیک] به جای گذاشتیم  
**مکارم:** و نام نیک او را در امتهای بعد باقی گذاردیم.

سَلَامٌ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ ﴿١٠٩﴾

**فولادوند:** درود بر ابراهیم

**مکارم:** سلام بر ابراهیم باد!

كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١١٠﴾

**فولادوند:** نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم

**مکارم:** اینگونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١١﴾

**فولادوند:** در حقیقت او از بندگان با ایمان ما بود

**مکارم:** او (ابراهیم) از بندگان با ایمان ما است.

وَبَشِّرْنَا هُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿١١٢﴾

**فولادوند:** و او را به اسحاق که پیامبری از [جمله] شایستگان است مژده دادیم

**مکارم:** ما او را به اسحاق، پیامبری صالح، بشارت دادیم.

وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ ﴿١١٣﴾

**فولادوند:** و به او و به اسحاق برکت دادیم و از نسل آن دو برخی نیکوکار و [برخی] آشکارا به خود ستمکار بودند

**مکارم:** ما به او و اسحاق برکت دادیم، و از دودمان آنها افرادی نیکوکار به وجود آمدند و افرادی که آشکارا به خود ستم کردند.

وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١١٤﴾

**فولادوند:** و در حقیقت بر موسی و هارون منت نهادیم

**مکارم:** ما به موسی و هارون نعمت بخشیدیم.

وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ ﴿١١٥﴾

**فولادوند:** و آن دو و قومشان را از اندوه بزرگ رهانیدیم

**مکارم:** آنها و قومشان را از اندوه بزرگ نجات دادیم.

وَنَصَرْنَا هُمْ فَكَانُوا هُمُ الْعَالِينَ ﴿١١٦﴾

**فولادوند:** و آنان را یاری دادیم تا ایشان غالب آمدند

**مکارم:** و آنها را یاری کردیم تا بر دشمنان خود پیروز شدند.

وَأَتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ ﴿١١٧﴾

**فولادوند:** و آن دو را کتاب روشن دادیم

**مکارم:** ما به آنها کتاب (آسمانی) دادیم.

وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١١٨﴾

**فولادوند:** و هر دو را به راه راست هدایت کردیم

**مکارم:** آنها را به راه راست هدایت کردیم.

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ ﴿١١٩﴾

**فولادوند:** و برای آن دو در [میان] آیندگان [نام نیک] به جای گذاشتیم

**مکارم:** و ذکر خیر آنها را در اقوام بعد باقی گذاردیم.

سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١٢٠﴾

**فولادوند:** درود بر موسی و هارون

**مکارم:** سلام بر موسی و هارون.

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢١﴾

**فولادوند:** ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم

**مکارم:** ما اینگونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.

إِنَّهُمْ مِّنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٢﴾

**فولادوند:** زیرا آن دو از بندگان با ایمان ما بودند

**مکارم:** آنها از بندگان مؤمن ما بودند.

وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾

**فولادوند:** و به راستی الیاس از فرستادگان [ما] بود

**مکارم:** و الیاس از رسولان ما بود.

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾

**فولادوند:** چون به قوم خود گفت آیا پروا نمی‌دارید

**مکارم:** به خاطر بیاور هنگامی که به قومش گفت: آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟

أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ ﴿١٢٥﴾



**فولادوند:** آیا بعل را می‌پرستید و بهترین آفرینندگان را وامی‌گذارید

**مکارم:** آیا بت بعل را می‌خوانید و بهترین خالقها را رها می‌سازید؟!

وَاللّٰهُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْاَوَّلِينَ ﴿١٢٦﴾

**فولادوند:** [یعنی] خدا را که پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شماست

**مکارم:** خدائی که پروردگار شما و پروردگار نیاکان شما است.

فَكَذَّبُوهُ فَاِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٢٧﴾

**فولادوند:** پس او را دروغگو شمردند و قطعاً آنها [در آتش] احضار خواهند شد

**مکارم:** اما آنها او را تکذیب کردند ولی مسلماً همگی در دادگاه عدل الهی احضار می‌شوند.

اِلَّا عِبَادَ اللّٰهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿١٢٨﴾

**فولادوند:** مگر بندگان پاکدین خدا

**مکارم:** مگر بندگان مخلص خدا.

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْاٰخِرِينَ ﴿١٢٩﴾

**فولادوند:** و برای او در [میان] آیندگان [آوازه نیک] به جای گذاشتیم

**مکارم:** ما نام نیک او (الیاس) را در میان امتهای بعد برقرار ساختیم.

سَلَامٌ عَلٰى اِلٰى يٰسِيْنَ ﴿١٣٠﴾

**فولادوند:** درود بر پیروان الیاس

**مکارم:** سلام بر الیاسین.

اِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣١﴾

**فولادوند:** ما نیکوکاران را این گونه پاداش می‌دهیم

**مکارم:** ما اینگونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.

اِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾

**فولادوند:** زیرا او از بندگان با ایمان ما بود

**مکارم:** او از بندگان مؤمن ما است.

وَ اِنَّ لُوْطًا لَّمِنْ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٣﴾

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

**فولادوند:** و در حقیقت لوط از زمره فرستادگان بود

**مکارم:** لوط از رسولان ما بود.

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿١٣٤﴾

**فولادوند:** آنگاه که او و همه کسانش را رهانیدیم

**مکارم:** به خاطر بیاور زمانی را که او و خاندانش را نجات دادیم.

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْعَابِرِينَ ﴿١٣٥﴾

**فولادوند:** جز پیرزنی که در میان باقی ماندگان [و خاکسترشدگان] بود

**مکارم:** مگر پیرزنی که در میان آن قوم باقی ماند (و به سرنوشت آنها گرفتار شد).

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ ﴿١٣٦﴾

**فولادوند:** سپس دیگران را هلاک کردیم

**مکارم:** سپس بقیه را نابود کردیم.

وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ ﴿١٣٧﴾

**فولادوند:** و در حقیقت شما بر آنان صبحگاهان

**مکارم:** و شما پیوسته صبحگاهان از کنار (ویرانه‌های شهرهای) آنها عبور می‌کنید ...

وَبِاللَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٣٨﴾

**فولادوند:** و شامگاهان می‌گذرید آیا به فکر فرو نمی‌روید

**مکارم:** و شبانگاه، آیا نمی‌اندیشید.

وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٩﴾

**فولادوند:** و در حقیقت یونس از زمره فرستادگان بود

**مکارم:** و یونس از رسولان ما بود.

إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿١٤٠﴾

**فولادوند:** آنگاه که به سوی کشتی پر بگریخت

**مکارم:** به خاطر بیاور زمانی را که به سوی کشتی مملو (از جمعیت و بار) فرار کرد.

فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ ﴿١٤١﴾

**فولادوند:** پس [سررشینان] با هم قرعه انداختند و [یونس] از باختگان شد

**مکارم:** و با آنها قرعه افکند (و قرعه بنام او اصابت کرد و) مغلوب شد.

فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿١٤٢﴾

**فولادوند:** [او را به دریا افکندند] و عنبرماهی او را بلعید در حالی که او نکوهشگر خویش بود

**مکارم:** (او را به دریا افکندند) و ماهی عظیمی او را بلعید، در حالی که مستحق ملامت بود!

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ﴿١٤٣﴾

**فولادوند:** و اگر او از زمره تسبیح‌کنندگان نبود

**مکارم:** و اگر او از تسبیح‌کنندگان نبود...

لَلْبَثِّ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٤٤﴾

**فولادوند:** قطعا تا روزی که برانگیخته می‌شوند در شکم آن [ماهی] می‌ماند

**مکارم:** تا روز قیامت در شکم ماهی می‌ماند.

فَبَذَلْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿١٤٥﴾

**فولادوند:** پس او را در حالی که ناخوش بود به زمین خشکی افکندیم

**مکارم:** (به هر حال ما او را رهائی بخشیدیم و) او را در یک سرزمین خشک خالی از گیاه افکندیم در حالی که بیمار بود.

وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَقْطِينٍ ﴿١٤٦﴾

**فولادوند:** و بر بالای [سر] او درختی از [نوع] کدوبن رویانیدیم

**مکارم:** و کدوبنی بر او رویانیدیم (تا در سایه برگهای پهن و مرطوبش آرامش یابد).

وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِثْرَةَ آفٍ أَوْ يَزِيدُونَ ﴿١٤٧﴾

**فولادوند:** و او را به سوی یکصد هزار [نفر از ساکنان نینوا] یا بیشتر روانه کردیم

**مکارم:** و او را به سوی جمعیت یکصد هزار نفری، یا بیشتر، فرستادیم.

فَأْمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿١٤٨﴾

**فولادوند:** پس ایمان آوردند و تا چندی برخوردارشان کردیم

**مکارم:** آنها ایمان آوردند و تا مدت معلومی آنان را از مواهب زندگی بهره مند ساختیم.

فَاسْتَفْتِهِمْ أَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبُنُونَ ﴿١٤٩﴾

**فولادوند:** پس از مشرکان جویا شو آیا پروردگارت را دختران و آنان را پسران است

**مکارم:** از آنها بپرس: آیا پروردگار تو دخترانی دارد و پسران از آن آنها است؟!

﴿۱۵۰﴾ أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ ﴿۱۵۰﴾

**فولادوند:** یا فرشتگان را مادینه آفریدیم و آنان شاهد بودند

**مکارم:** آیا ما فرشتگان را به صورت دختران آفریدیم و آنها ناظر بودند؟!

﴿۱۵۱﴾ أَلَا إِنَّهُمْ مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ﴿۱۵۱﴾

**فولادوند:** هشدار که اینان از دروغ پردازی خود قطعاً خواهند گفت

**مکارم:** بدانید آنها با این تهمت بزرگشان می‌گویند.

﴿۱۵۲﴾ وَكَذَّبَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۱۵۲﴾

**فولادوند:** خدا فرزند آورده در حالی که آنها قطعاً دروغگویند

**مکارم:** خداوند فرزندی آورده! ولی آنها قطعاً دروغ می‌گویند!

﴿۱۵۳﴾ أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ ﴿۱۵۳﴾

**فولادوند:** آیا [خدا] دختران را بر پسران برگزیده است

**مکارم:** آیا دختران را بر پسران ترجیح داده ؟

﴿۱۵۴﴾ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿۱۵۴﴾

**فولادوند:** شما را چه شده چگونه داور می‌کنید

**مکارم:** شما چگونه حکم می‌کنید؟ (و هیچ می‌فهمید چه می‌گویند؟).

﴿۱۵۵﴾ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿۱۵۵﴾

**فولادوند:** آیا سر پند گرفتن ندارید

**مکارم:** آیا متذکر نمی‌شوید؟

﴿۱۵۶﴾ أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ ﴿۱۵۶﴾

**فولادوند:** یا دلیلی آشکار [در دست] دارید

**مکارم:** آیا شما دلیل روشنی در این باره دارید؟

﴿۱۵۷﴾ فَاتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۱۵۷﴾

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

**فولادوند:** پس اگر راست می‌گویید کتابتان را بیاورید

**مکارم:** کتابتان را بیاورید اگر راست می‌گویید!

وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٥٨﴾

**فولادوند:** و میان خدا و جن‌ها پیوندی انگاشتند و حال آنکه جنیان نیک دانسته‌اند که [برای حساب پس‌دادن] خودشان احضار خواهند شد

**مکارم:** آنها میان او و جن (خویشاوندی و) نسبتی قائل شدند، در حالی که جنیان به خوبی می‌دانستند که این بت پرستان در دادگاه الهی احضار می‌شوند.

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ﴿١٥٩﴾

**فولادوند:** خدا منزّه است از آنچه در وصف می‌آورند  
**مکارم:** منزّه است خداوند از توصیفی که آنها می‌کنند.

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٦٠﴾

**فولادوند:** به استثنای بندگان پاکدل خدا

**مکارم:** مگر بندگان مخلص خدا.

فَاتَّكُمُ وَمَا تَعْبُدُونَ ﴿١٦١﴾

**فولادوند:** در حقیقت شما و آنچه [که شما آن را] می‌پرستید

**مکارم:** شما و آنچه پرستش می‌کنید،

مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ ﴿١٦٢﴾

**فولادوند:** بر ضد او گمراه‌گر نیستید

**مکارم:** هرگز نمی‌توانید کسی را (با آن) فریب دهید.

إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ ﴿١٦٣﴾

**فولادوند:** مگر کسی را که به دوزخ رفتنی است

**مکارم:** مگر آنها که می‌خواهند در آتش دوزخ بسوزند.

وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ ﴿١٦٤﴾

**فولادوند:** و هیچ يك از ما [فرشتگان] نیست مگر [اینکه] برای او [مقام و] مرتبه‌ای معین است

**مکارم:** هر يك از ما مقام معلومی داریم.

وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ ﴿١٦٥﴾

**فولادوند:** و در حقیقت ماییم که [برای انجام فرمان خدا] صف بسته‌ایم

**مکارم:** و ما همگی (برای اطاعت فرمان خداوند) به صف ایستاده‌ایم.

وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ﴿١٦٦﴾

**فولادوند:** و ماییم که خود تسبیح‌گویانیم

**مکارم:** و ما همگی تسبیح او می‌گوییم.

وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ ﴿١٦٧﴾

**فولادوند:** و [مشرکان] به تاکید می‌گفتند

**مکارم:** آنها پیوسته می‌گفتند:

لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِّنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٦٨﴾

**فولادوند:** اگر پند [نامه]ی از پیشینیان نزد ما بود

**مکارم:** اگر یکی از کتب پیشینیان نزد ما بود،

لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿١٦٩﴾

**فولادوند:** قطعاً از بندگان خالص خدا می‌شدیم

**مکارم:** ما از بندگان مخلص خدا بودیم.

فَكْفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿١٧٠﴾

**فولادوند:** ولی [وقتی قرآن آمد] به آن کافر شدند و زودا که بدانند

**مکارم:** (اما هنگامی که این کتاب بزرگ آسمانی بر آنها نازل شد) آنها به آن کافر شدند ولی بزودی نتیجه کار خود را خواهند

دانست.

وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧١﴾

**فولادوند:** و قطعاً فرمان ما در باره بندگان فرستاده ما از پیش [چنین] رفته است

**مکارم:** وعده قطعی ما برای بندگان مرسل ما از قبل مسلم شده.

إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ﴿١٧٢﴾

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

**فولادوند:** که آنان [بر دشمنان خودشان] حتما پیروز خواهند شد

**مکارم:** که آنها یاری می‌شوند.

وَإِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿١٧٣﴾

**فولادوند:** و سپاه ما هرآینه غالب آیندگانند

**مکارم:** و لشکر ما (در تمام صحنه‌ها) پیروزند.

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٤﴾

**فولادوند:** پس تا مدتی [معین] از آنان روی برتاب

**مکارم:** از آنها روی بگردان تا زمان معینی (تا زمانی که فرمان جهاد صادر شود).

وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿١٧٥﴾

**فولادوند:** و آنان را بنگر که خواهند دید

**مکارم:** و وضع آنها را بنگر (چه بیمحتوا است) اما به زودی آنها (محصول اعمال خود را) می‌بینند.

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿١٧٦﴾

**فولادوند:** آیا عذاب ما را شتابزده خواستارند

**مکارم:** آیا آنها برای عذاب ما عجله می‌کنند؟!

فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ ﴿١٧٧﴾

**فولادوند:** [پس هشدار داده‌شدگان را] آنگاه که عذاب به خانه آنان فرود آید چه بد صبحگاهی است

**مکارم:** اما هنگامی که عذاب ما در صحن خانه‌هاشان فرود آید صبحگاهان بدی خواهند داشت.

وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٨﴾

**فولادوند:** و از ایشان تا مدتی [معین] روی برتاب

**مکارم:** از آنها روی بگردان تا زمان معینی.

وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿١٧٩﴾

**فولادوند:** و بنگر که خواهند دید

**مکارم:** و وضع کارشان را ببین، آنها نیز به زودی (محصول اعمال خود را) می‌بینند.

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٨٠﴾

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

**فولادوند:** منزّه است پروردگار تو پروردگار شکوهمند از آنچه وصف می‌کنند  
**مکارم:** منزّه است پروردگار، پروردگار عزت (و قدرت) از توصیفهایی که آنها می‌کنند.

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿١٨١﴾

**فولادوند:** و درود بر فرستادگان

**مکارم:** و سلام بر رسولان.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٢﴾

**فولادوند:** و ستایش ویژه خدا پروردگار جهانهاست

**مکارم:** و حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار عالمیان است.

